

گزارش

«شرق» گزارش می‌دهد

تعلیق همکاری با آژانس؛ پیام تهران به غرب در آستانه سفر نیویورک

مالک مصدق

تصمیم شورای عالی امنیت ملی ایران مبنی بر تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در شرایطی اعلام شد که فضای دیپلماسی هسته‌ای و تحولات شورای امنیت سازمان ملل، بار دیگر پرونده هسته‌ای ایران را در کانون توجه جهانی قرار داده است. در جلسه شنبه‌شب شورای عالی امنیت ملی، که با حضور مقامات ارشد سیاسی و امنیتی برگزار شد، این تصمیم به مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور و رئیس ششام ابلاغ شد تا مسیر تعاملات ایران با آژانس به طور موقت متوقف شود. این اقدام در حالی انجام شد که شورای امنیت سازمان ملل، در نشست جمعه گذشته و به ریاست کره جنوبی، نتوانست پیش‌نویس قطع‌نامه‌ای برای تداوم لغو تحریم‌های ایران را تصویب کند و عملاً خطر بازگشت تحریم‌ها و فعال‌شدن مکانیسم اسنپ‌بک بیش از هر زمان دیگری افزایش یافت.

تحلیلگران معتقدند این تصمیم تهران را می‌توان در قالب یک راهبرد فشار تفسیر کرد. ایران با این اقدام به طرف‌های غربی پیام می‌دهد که ادامه بی‌توجهی به منافع تهران و عدم پایبندی به تعهدات پرجامی، می‌تواند با واکنش‌های قاطع همراه شود. به عبارت دیگر، توقف همکاری با آژانس، ابزاری است برای تغییر معادلات مذاکراتی و افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در برابر اروپا و آمریکا.

با این حال، تعلیق همکاری با آژانس می‌تواند پیامدهای پیچیده‌ای نیز به همراه داشته باشد. در سطح بین‌المللی، این تصمیم ممکن است موجب کاهش اعتماد به شفافیت برنامه هسته‌ای ایران و زمینه‌ساز فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی جدید شود. همچنین، محدودشدن تعاملات فنی با آژانس می‌تواند مسیر رفع تحریم‌ها را دشوارتر کرده و حتی فرصت‌های ایران برای تعامل سازنده با جامعه جهانی را کاهش دهد. از این منظر، تعلیق همکاری با آژانس همان‌قدر که می‌تواند اهرم فشار باشد، در صورت نبود هماهنگی دیپلماتیک، ممکن است به ابزاری برای تشدید فشارهای بین‌المللی بدل شود.

در همین حال، نگاه‌ها به سفر قریب‌الوقوع رئیس‌جمهور پزشکیان به نیویورک دوخته شده است؛ سفری که در شرایط کنونی می‌تواند بر آینده مذاکرات هسته‌ای و معادلات دیپلماتیک ایران اثرگذار باشد. حضور در مجمع عمومی سازمان ملل فرصتی استثنایی برای تبیین مواضع ایران و تعامل مستقیم با رهبران جهانی فراهم می‌کند؛ فرصتی که با تصمیم اخیر شورای عالی امنیت ملی، ابعاد تازه‌ای یافته است.

سفر پزشکیان به نیویورک؛ فرصت دیپلماسی یا میدان ریسک؟

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، در آستانه سفری حساس به نیویورک قرار دارد؛ سفری که هم‌زمان با تنش‌های فزاینده در پرونده هسته‌ای و بازگشت احتمالی تحریم‌ها، اهمیت ویژه‌ای یافته است. هدف اصلی این سفر، حضور در نشست مجمع عمومی سازمان ملل و رایزنی با مقامات و رهبران کشورهای مختلف، به‌ویژه طرف‌های اروپایی و منطقه‌ای عنوان شده است.

در شرایطی که تعلیق همکاری با آژانس می‌تواند به عنوان ابزاری برای فشار دیپلماتیک مورد استفاده قرار گیرد، سفر پزشکیان فرصتی است تا ایران از این ابزار در مسیر مذاکرات بهره‌گیرد. برخی کارشناسان معتقدند تهران می‌تواند با تکیه بر این اقدام، طرف‌های اروپایی را به بازنگری در مواضع‌شان وادار کرده و حتی برای تعلیق یا تعدید شش‌ماهه مکانیسم اسنپ‌بک مذاکره کند. در کوتاه‌مدت، این اقدام می‌تواند فضای جدیدی برای گفت‌وگو ایجاد کرده و به تیم دیپلماسی ایران امکان دهد تا با موضعی قدرتمندتر پای میز مذاکره حاضر شوند.

اما این همه ماجرا نیست. موفقیت این راهبرد نیازمند هماهنگی دقیق و مدیریت هوشمندانه است. اگر تعلیق همکاری با آژانس بدون یک نقشه‌راه روشن دنبال شود، ممکن است نه‌تنها موجب تقویت مواضع ایران نشود، بلکه بهانه‌ای برای غرب برای تشدید فشارها و حتی صدور قطع‌نامه‌های جدید علیه تهران فراهم کند. به‌ویژه در شرایطی که رژیم اسرائیل با ادعاهای مکرر درباره تهدیدآمیزبودن برنامه هسته‌ای ایران، تلاش می‌کند اجماع جهانی علیه تهران ایجاد کند، هرگونه اقدام بدون محاسبه می‌تواند در زمین رقابت منطقه‌ای و بین‌المللی ایران بازی کند.

در سوی دیگر، حضور در مجمع عمومی سازمان ملل فرصت دیپلماسی عمومی را نیز در اختیار ایران قرار می‌دهد. این نشست با حضور هزاران خبرنگار و رسانه بین‌المللی، بستری برای انعکاس دیدگاه‌های تهران فراهم می‌سازد. تیم همراه رئیس‌جمهور می‌تواند با بهره‌گیری از این ظرفیت رسانه‌ای، روایت ایران از تحولات منطقه و جنگ ۱۲روزه را به جهان مخابره کند؛ روایتی که در برابر تصویرسازی رسانه‌های جریان اصلی غربی و متحدان منطقه‌ای‌شان قرار می‌گیرد. همچنین، حضور در نشست‌ها و کمیته‌های تخصصی حاشیه‌ای می‌تواند فرصتی برای ارائه ابتکارات ایران در حوزه‌های امنیت منطقه‌ای، مبارزه با تروریسم و همکاری‌های اقتصادی باشد. در شرایطی که برخی کشورهای منطقه در حال بازنگری در روابط خود با ایران هستند، نیویورک می‌تواند محلی برای تقویت این روند و گسترش همکاری‌ها در حوزه‌های حمل‌ونقل، انرژی و تجارت باشد.

معادلات شکننده و ضرورت دیپلماسی هوشمندانه

تصمیم شورای عالی امنیت ملی برای تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، معادلات سیاسی خارجی ایران را وارد مرحله‌ای حساس و شکننده کرده است. از یک سو، این تصمیم می‌تواند اهرم فشار مؤثری در برابر طرف‌های غربی باشد و مواضع مذاکراتی ایران را تقویت کند. از سوی دیگر، در صورت نبود برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگی در سطح بین‌المللی، می‌تواند به ابزاری برای افزایش انزوا و فشارهای اقتصادی و سیاسی علیه تهران بدل شود. تحلیلگران بر این باورند که تهران در شرایط کنونی باید از هرگونه اقدام احساسی یا واکنش‌های کوتاه‌مدت پرهیز کند. تعلیق همکاری با آژانس اگر در قالب یک استراتژی بلندمدت و با هدف دستیابی به توافقات مشخص دنبال نشود، ممکن است فرصت‌های موجود برای کاهش فشارهای بین‌المللی را از بین ببرد. در این میان، نقش رئیس‌جمهور پزشکیان و تیم دیپلماسی او تعیین‌کننده است. سفر به نیویورک می‌تواند بستری برای تعامل مستقیم با رهبران جهانی، تشریح مواضع ایران و حتی جلب حمایت برخی کشورها برای کاهش فشارها باشد. اما این هدف فقط زمانی محقق می‌شود که سیاست خارجی کشور با انسجام داخلی، پیام واحد و دیپلماسی هوشمندانه همراه باشد.

از منظر منطقه‌ای نیز، حضور مقامات ارشد کشورهای همسایه در نیویورک فرصتی برای گفت‌وگو درباره امنیت خلیج فارس، بحران فلسطین و همکاری‌های اقتصادی فراهم می‌کند. تهران می‌تواند با ارائه ابتکارات جدید در حوزه امنیت منطقه‌ای و همکاری‌های اقتصادی، تصویر خود را به عنوان بازیگری مسئول در نظام بین‌الملل تقویت کند و ادعاهای اسرائیل درباره تهدیدآمیزبودن نقش ایران را به چالش بکشد.

در نهایت، آنچه می‌تواند این مقطع حساس را به فرصتی برای ایران تبدیل کند، ترکیبی از دیپلماسی فعال، مدیریت دقیق تنش‌ها و استفاده هوشمندانه از ابزارهای فشار است. تعلیق همکاری با آژانس اگر با گفت‌وگوی سازنده، ابتکارات دیپلماتیک و تعامل مسترده در نیویورک همراه شود، می‌تواند به ابزاری برای کاهش فشارها و حتی زمینه‌ساز توافقات جدید در حوزه هسته‌ای و اقتصادی تبدیل شود. در غیر این صورت، خطر افزایش انزوا و بازگشت تحریم‌ها بیش از هر زمان دیگری کشور را تهدید خواهد کرد.

بررسی سناریوهای محتمل پس از احیای تحریم‌ها و قطع‌نامه‌های شورای امنیت در گفت‌وگو با مهدی خراتیان

ایران و فردای تحریم

مهدی خراتیان: به صرف فعال‌سازی اسنپ‌بک، نه منزوی می‌شویم؛ نه فرومی‌پاشیم/ با بازگشت تحریم‌ها، چین و روسیه خود را متعهد به خواسته اروپا و آمریکا نمی‌دانند/ تهران برای جنگ دوباره هوشیار‌تر و آماده‌تر است

عبدالرحمن فتح‌الهی: با توجه به تحولات اخیر درباره پرونده هسته‌ای ایران و فعال‌سازی مکانیسم ماشه، چشم‌انداز بازگشت تحریم‌ها و قطع‌نامه‌های شورای امنیت بیش از هر زمان دیگری جدی به نظر می‌رسد. توافق قاهره میان تهران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین بسته پیشنهادی عباس عراقچی که با هدف کاستن از تنش‌ها ارائه شد، عملاً در برابر بیابانه چهارجانبه آلمان، فرانسه، انگلیس و آمریکا در نشست فصلی شورای حکام و مواضع تند اروپایی‌هایی اثر ماند. دراین‌میان رد قطع‌نامه کره جنوبی در شورای امنیت و پس از آن تصمیم شورای عالی امنیت ملی ایران برای تعلیق همکاری‌ها با آژانس، فضای تقابل را تشدید کرد. با توجه به روند کنونی، بعد است سفر مسعود پزشکیان به نیویورک و دیدارهای دیپلماتیک او بتواند تغییری اساسی در مسیر بازگشت تحریم‌ها ایجاد کند یا حتی تعدید شش‌ماهه تعلیق

جناب خراتیان، در این تقریباً یک ماهی که ترونیکای اروپا

نامه فعال‌سازی مکانیسم ماشه را به شورای امنیت ارسال کردند، در فضایی رسانه‌ای و کارشناسی به تناوب و بارها درباره روند حقوقی و سیاسی فعال‌سازی بحث شده است. اما شرایط طلی شده، به‌ویژه بیابنه چهارجانبه آلمان، فرانسه، انگلستان و ایالات متحده در نشست فصلی شورای حکام سپتامبر ۴۸ ساعت بعد از توافق قاهره بین تهران و آژانس و همچنین هفته گذشته بیابنه اروپایی‌ها و نیز با در نظر گرفتن نشست روز جمعه شورای امنیت برای قطع‌نامه کره جنوبی و رد پیشنهادهای عباس عراقچی در تماس تلفنی چهارشنبه گذشته با اروپایی‌ها، بگذاردیم پیش‌فرض را روی بازگشت تحریم‌ها و قطع‌نامه‌های شورای امنیت بگذاریم. پس، از سؤال اول تا پایان مصاحبه باید روی سناریوهای نه‌چندان خوش‌بینانه تمرکز کرد. حال پرسش نخست من این است که در صورت بازگشت تحریم‌ها، گزاره مدنظر غرب چیست؟ آیا مانند سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ شمسی در دوره احمدی‌نژاد به دنبال انزوای اقتصادی و دیپلماتیک ایران، مشابه سناریوی کره شمالی هستند یا آن‌گونه که برخی معتقدند، نظم بعد از ۷ اکتبر، عملاً شرایط را به سمتی دیگر برده است؟ به نظر من، هر دو گزاره‌ای که مطرح کردید، رادیکال است.

چرا؟

چون شرایط نه مانند سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ است که بتوانند به دنبال اجرای سناریوی کره شمالی درباره ایران و انزوای دیپلماتیک و اقتصادی ما باشند و نه فروپاشی هم گزاره‌ای است که غربی‌ها به‌راحتی بتوانند آن را اجرا کنند.

بدون تعارف، وقتی هر دو سناریو را رد می‌کنید، تحلیل‌تان فائزتری نمی‌شود؟

خیر، مگر آنکه در نظر داشته باشیم بعد از بازگشت قطع‌نامه‌ها و تحریم‌های شورای امنیت، در داخل کشور اتفاق خاصی روی دهد؛ پس یعنی ما اگر این اتفاق را کنار بگذاریم، به صرف فعال‌سازی اسنپ‌بک، نه می‌توانند ما را به سمت سناریوی انزوای اقتصادی و دیپلماتیک بکشاند و نه فروپاشی در انتظار است.

ولی باز هم با تأکیدتان مشکل دارم. شرایط کنونی در کشور، منطقه، جهان و واقعیت‌های جاری حکایت از عکس آن چیزی است که شما بر آن مانور می‌دهید...

آن چیزی که من می‌فهمم، این است که بازگشت قطع‌نامه‌ها،

نمی‌تواند نه کشور را منزوی کند و نه فروپاشی روی دهد. دلیل آن هم اتفاقاتی است که در همین مدت روی داد. نظم و روابط بین‌الملل در سال ۲۰۲۵ کاملاً متفاوت از سال ۲۰۱۵ است. اکنون واقعاً یک دوقطبی شدیدی شکل گرفته و روسیه و چین هم خود را متعهد به پذیرش خواسته اروپا و آمریکا نمی‌انند، چون کاملاً فضا بعد از جنگ اوکراین به یک شکاف بی‌سابقه رسیده است و اکنون مسکو و پکن دیگر واهم‌ای از تبعات شکاف با غرب ندارند، چون چیزی برای تهدید علیه روسیه و چین دیگر باقی نمانده است. جنگ که شکل گرفته، شکاف روسیه با اروپا و آمریکا هم مشخص است. از آن طرف هم جنگ تمام‌عیار اقتصادی علیه چین راه افتاده...

حتی اگر آنچه را که گفتید، بپذیریم، باز سطح و نوع روابط اقتصادی چین و روسیه با ایران هم مطرح است. تخفیف‌های عجیب‌وغریب اِی‌ران برای چین و نگاه یک‌جانبه و یک‌سویه اقتصادی روسیه با ایران، سوءاستفاده یکن و مسکو از کارت تهران در مناقشات و...

سطح و نوع روابط اقتصادی چین و روسیه با ایران مسئله دیگری است. شما پرسیدید که آیا ما دچار انزوا خواهیم شد؟ گفت‌م‌خیر و دلایل را هم عنوان کردم. حالا اینکه ما با تخفیف نفت به چین می‌فروشیم، در یک شرایط ایدئال می‌تواند به‌عنوان یک نقد پذیرفتنی مطرح شود. اما شما در تحریم هستید؛ حالا اگر اسنپ‌بک فعال شود و قطع‌نامه‌های شورای امنیت برگرود که وضعیت بدتر می‌شود و باید منتظر باشیم همین چینی‌ها از ما نفت بخرند. شما طوری حرف می‌زدید که انگار مشتریان نفتی برای ایران ردیف شده‌اند و در صف ایستاده‌اند. وقتی شما می‌بینید کشوری مانند چین با وجود تهدیدها و تحریم‌ها حاضر است کماکان از ما نفت بخرد، ما مجبوریم شرایط را ادامه دهیم. برای ادامه باید نفت بفروشیم، حتی به هر قیمتی و از آنها (چین)

کالا و خدمات بگیریم، حتی به هر قیمتی. حالا شما می‌گویید

این ایدئال نیست، من هم می‌گویم ایدئال نیست. اما تا زمانی که این شرایط ادامه داشته باشد، حتی با بازگشت تحریم‌ها و قطع‌نامه‌های بعد از اسنپ‌بک، ما به سمت انزوای اقتصادی نمی‌رویم.

این را هم بپرسم که واقعاً خودتان تصورتان این است که تحریم‌ها از ششبه هفته آینده بروی گردند؟ من تقریباً قائل به سناریوی خوش‌بینانه نیستم.

من هم همین‌طور، چون باید قاعده را در نظر بگیریم. وقتی ترونیکیای اروپا، ۲۶ اکوست نامه فعال‌سازی مکانیسم ماشه را به شورای امنیت داده‌اند و در این مدت هم تمام کارهای آن انجام شده است، پس باید فرض را روی بازگشت قطع‌نامه‌ها بگذاریم. این را هم در نظر بگیریم که اکتبر، روسیه عملاً رئیس دوره‌ای شورای امنیت خواهد بود. پس اروپا هر کاری که باید انجام دهد، در همین روزهای پایانی سپتامبر خواهد بود و اجازه نمی‌دهد که مسئله ماشه و قطع‌نامه ۲۲۳۱ به اکتبر و ریاست دوره‌ای روسیه سپرده شود. اینجااست که من هم معتقدم باید پیش‌فرض را روی بازگشت تحریم‌ها گذاشت، مگر اتفاق خاصی بیفتد. اکنون هم تحرک خاصی دیده نمی‌شود که نشان بدهد آمیدی برای جلوگیری از بازگشت قطع‌نامه‌ها وجود دارد.

تعدید شش‌ماهه چطور؟ آن را هم دور از واقعیت می‌دانید؟

بله، چون من اتفاق خاصی هم نمی‌بینم که تصور کنیم طرفین به دنبال خرید زمان هستند یا به دنبال تعدید شش‌ماهه باشند. البته هیچ چیز صددرصدی نیست. ما فعلاً پیش‌فرض و قاعده را روی این می‌گذاریم، مگر آنکه خلافش ثابت شود. به هر حال این رفتار اروپا در فعال‌سازی مکانیسم ماشه، آن هم به این شیوه که سعی می‌کنند تمام روال‌های قانونی و حقوقی مندرج در برجام را دور بزنند و مستقیماً نامه را به شورای امنیت ارسال کردند، می‌تواند پرونده هسته‌ای کشور را از کنترل خارج کند. دراین‌صورت هم واقعاً اروپا دیگر نقشی در روند هسته‌ای نخواهد داشت و عملاً آلمان، فرانسه و انگلستان از آن خارج خواهند شد و اگر قطع‌نامه‌ها برگردد، دیگر ایران، لندن، پاریس و

رلین را طرف حساب خود نمی‌دانن.

یعنی خود اروپایی‌ها هم نمی‌دانند؟

بله، می‌دانند....

پس چرا شاهد این رفتار هستیم؟

چون چاره‌ای ندارند. از یک طرف می‌خواهند نماینده سیاست‌های آمریکا و اسرائیل باشند و در سوی دیگر تلاش دارند که بتوانند در سایر پرونده‌ها کماکان در کنار آمریکا نقش آفرین باشند. اما از نظر منافع ملی خود اروپایی‌ها، این رفتار در پرونده هسته‌ای به ضرر آنهاست. به هر حال این سه کشور اروپایی و اتحادیه اروپا جزء بازیگران مهم در مذاکرات هسته‌ای بودند و جزء طرف‌های اصلی در برجام بودند. اگر تحریم‌ها و قطع‌نامه‌ها برگردد، قطعاً دیگر آنها برای همیشه خط خواهند خورد و این ضربه جدی به وزن دیپلماتیک آنها خواهد بود. حتی آنها حاضر به پذیرش تعدید شش‌ماهه نیستند، درصورتی‌که با همین سناریوی تعدید هم کماکان می‌توانستند حداقل تا شش ماه آینده در پرونده هسته‌ای نقش آفرین باشند. فراموش نکنیم که هفته گذشته آقای عراقچی توبیتی منتشر کرد و به‌صراحت گفت که اگر این اتفاق روی دهد و قطع‌نامه‌ها برگردند، برای اروپا همه چیز از دست خواهد رفت. خود این توبیت هم نشان می‌دهد که وزیر امور خارجه ما هم بازگشت قطع‌نامه‌ها را تقریباً قطعی و قریب‌الوقوع می‌داند.

برگردیم به همان دعوی ابتدای مصاحبه. من گفته‌های چند سال اخیر شما را پیگیری می‌کنم. چه قبل از ترور اسماعیل هنبه، هشدار احتمال ترور را دادید و هم قبل از جنگ ۱۲روزه، بر احتمال وقوع جنگ تأکید داشتید. چرا اکنون خوش‌بینانه به مسئله نگاه می‌کنید؟ چون نکته مهمی که فراموش شد، این بود که در صورت بازگشت قطع‌نامه‌ها، حتی سناریوی تجاوز مجدد و ماجراجویی دوباره نتانیاهو مطرح است؟



بحث خوش‌بینانه یا بدبینانه نیست. من نگفتم که اسرائیل دوباره به ایران حمله نمی‌کند. اتفاقاً من هم معتقدم باید پیش‌فرض را روی حمله دوباره و تجاوز مجدد اسرائیل بگذاریم. اما این تصور کنیم با بازگشت قطع‌نامه‌ها، ایران به سمت انزوای اقتصادی و دیپلماتیک مانند کره شمالی خواهد رفت یا در سناریوی رادیکال، شاهد فروپاشی خواهیم بود، هیچ‌کدام اتفاق نمی‌افتد.

حتی با جنگ دوباره اسرائیل؟

مشکل تحلیل شما این است که جنگ دوباره اسرائیل را مساوی با فروپاشی می‌دانید. یعنی تصور می‌کنیم اگر جنگی اتفاق بیفتد، نتیجه محتوم و قطعی آن، فروپاشی است که قطعاً چنین چیزی نخواهد بود. شما اتفاقاً به جنگ ۱۲روزه نگاه کنید. ما در نهایت غافلگیری وارد ۱۲ روز جنگ با اسرائیل شدیم؛ تقریباً هم اسرائیل برای تغییر نظام آمده بود، اما نتیجه آن چه شد؟ اینکه مقامات نمی‌پذیرفتند که اسرائیل حاضر به جنگ با ایران باشد، خود رفتار شب اول بعد از تجاوز اسرائیل مشخص بود و در همان ساعت اولیه هم روشن شد که جقدر غافلگیر شدیم. تعداد درخور توجهی از مقامات ارشد ترور شدند. در آن زمان واقعاً خیلی از افراد مهم نظام قبول نداشتند که این جنگ روی می‌دهد. حالا من نمی‌خواهم وارد جزئیات شوم، اما می‌دانم که منظور من را متوجه می‌شوید. متأسفانه در آن تجاوز، اصل غافلگیری به‌عنوان یک پارامتر مهم، به‌ویژه در حوزه ترور، کارکرد خود را نشان داد.

شما دیدید در همان ساعت اولیه این تجاوز، واقعاً همه در نوعی گنگی و ابهام به سر بردند که چه اتفاقی افتاده است و تا خواستند به خودشان بیایند، بیشتر مقامات ارشد نظامی و دفاعی را از دست داده بودند. ضمناً فراموش نکنیم، ما نزدیک به ۱۸ ساعت طول کشید تا توانستیم خود را برای حمله به اسرائیل آماده کنیم. اما الان دیگر فقط مشتاقیم که هم نیروهای نظامی و دفاعی ما در آمادگی به سر می‌برند و پیش‌فرض خود را روی جنگ دوباره قرار داده‌اند، هم مقامات امنیتی، سیاسی و دیپلماتیک این آمادگی را دارند. همه اکنون دست‌شان روی ماشه است.

در این مدت، سامانه‌های آقندی و پدافندی هم با توانایی داخلی و هم با خریدهای خارجی دوباره احیا شده است. نمی‌گویم در شرایط ایدئال هستیم، اما تا آنجایی که توان داشته‌ایم، سعی شده که قدرت آقندی و پدافندی دوباره احیا شود. پس این بار، هم اسرائیل و هم آمریکا اگر خیال تجاوز دوباره به ایران را دارند، می‌دانند که باید چیز جدیدتری رو کنند. نگاه برای کار نتانیاهو و ترامپ دشوارتر از جنگ ۱۲روزه است. الان نظام خیلی هوشیارتر و آماده‌تر است.

چه ترور، چه جنگ؟

بله، چه ترور، چه جنگ.

اما می‌خواهم دوباره یک نقدی داشته باشم. آیا این بار دیگر برای اسرائیل اصل «غافلگیری» در تجاوز یا ترور دوباره به ایران اهمیت دارد؟ ضمن اینکه نباید فراموش کنیم وضعیت کشور به‌گونه‌ای است که متأسفانه همواره جا برای غافلگیری داریم. اما الان اصل «شدت» حمله بر اصل «غافلگیری» حمله ارجحیت ندارد؟

متأسفانه من هم با حرف و تحلیل شما موافقم. شرایط ما به‌گونه‌ای است که همواره جا برای غافلگیری داریم. به دلیل برخی تحلیل‌های غلط نسبت به صحنه امروز، این غافلگیری کمساکان وجود دارد. اما باز هم تأکید دارم که این بار با جنگ ۱۲روزه متفاوت است. هر قدر ایران غافلگیر شود، دیگر مانند جنگ ۱۲روزه غافلگیر نخواهد شد. یعنی الان ایران هم خود را برای بازگشت قطع‌نامه‌ها و تحریم‌های شورای امنیت آماده کرده است و هم جنگ و تجاوز دوباره. می‌دانم که شما از روی دلسوزی و نگاه به منافع و امنیت ملی این‌قدر بدبین هستید و به نظر من مقامات ارشد نظام هم مانند شما به همین سناریوهای بدبینانه فکر می‌کنند، چون درستش همین است که باید خوش‌بینی و ایدئال‌ها را کنار گذاشت.

خبر

پیشنهاد «مطهری» به «پزشکیان»:
درخواست ملاقات ترامپ را بپذیر

نایب‌رئیس مجلس دهم تأکید کرد: به رئیس‌جمهور پیشنهاد می‌دهم اگر در جریان سفر به نیویورک، ترامپ درخواست ملاقات داشت، به رغم نفاق و دروغ‌گویی‌اش، رئیس‌جمهور به خاطر منافع ملت ایران این دیدار را بپذیرد. علی‌مطهری با اشاره به سفر رئیس‌جمهور به نیویورک در شبکه ایکس، نوشت: «برای سفر رئیس‌جمهور به نیویورک پیشنهاد می‌شود؛

۱. وزیر خارجه مذاکره با سه کشور اروپایی درباره آخرین طرح پیشنهادی‌اش را انجام دهد.

۲. رئیس‌جمهور در نطق خود واقعیت حمله اسرائیل و آمریکا به ایران را تشریح کند.

۳. اگر ترامپ درخواست ملاقات با پزشکیان را داشت، به رغم نفاق و دروغ‌گویی‌اش، رئیس‌جمهور ما به‌خاطر منافع ملت بپذیرد. کیش شخصیت ترامپ و اینکه می‌خواهد همه‌چیز را به نام خود تمام کند ممکن است به سود ایران تمام شود».

براساس این گزارش، مسعود پزشکیان روز سه‌شنبه هفته جاری (اول مهرماه)، به‌منظور شرکت در نشست مجمع عمومی سازمان ملل عازم نیویورک خواهد شد. به گفته مهدی سنایی، رئیس‌جمهور چهارشنبه عصر به وقت تهران در صحن سازمان ملل سخنرانی خواهد داشت. همچنین ایشان دیدار و رایزنی‌هایی با رؤسای کشورهای مختلف و دبیر کل سازمان ملل و نشست‌هایی با اندیشکده‌ها، برخی مجامع و ایرانیان مقیم آمریکا نیز خواهد داشت.

ارتش:

امروز ارتش آماده‌تر از گذشته است

ارتش در بیابنهای، ضمن پاسداشت هفته دفاع مقدس، پیوند عمیق میان مردم و نیروهای مسلح را عامل پیروزی در جنگ تحمیلی هشت‌ساله اعلام و بر آمادگی خود برای دفاع از ایران، تأکید کرد. متن بیابنه ارتش جمهوری اسلامی ایران به مناسبت هفته دفاع مقدس، به شرح زیر است: «پس هرکس بر شما تعدی کرد، به همان اندازه بر او تعدی کنید»- سوره بقره، آیه ۱۹۴.

مهم‌ساز و باور خاطره‌ها و زنان دلیر و شجاعی که با تکیه بر ایمان و وحدت، تحت تدابیر پیامبرگونه بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، در برابر تجاوز دشمن بعضی ایستادند و استقلال، تمامیت ارضی کشور و نظام مقدس جمهوری اسلامی را پاس داشتند. امروز از اذهان زنده می‌شود. در حماسه تاریخی هشت سال دفاع مقدس، ارتش جمهوری اسلامی ایران نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای بر عهده داشت؛ ارتشی که در شرایط دشوار آن دوران، به سرعت بر توطئه‌های ضد انقلاب و گروهک‌های تجزیه‌طلب فاتق آمد و در ساعات اولیه تجاوز به میدان جنگ شتافت و همانند سدی سترگ، راه را بر ادامه تجاوز دشمن بست.

رشادتهای ارتش در کنار مهرزمان خود در سپاه، فرماندهی انتظامی، بسیج مردمی در دفاع جانانه از مرزهای ایران اسلامی، چه در دوران هشت‌ساله دفاع مقدس، چه در عملیات‌های مردم‌یاری، دوران همه‌گیری کرونا و چه در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، نشان از ماهیت اسلامی، انقلابی و مردمی دشمن دارد. مجاهدتها و حماسه‌افرینی‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران، تنها در سایه پیوند عمیق با ملت و تحت فرماندهی حکیمانه فرماندهی معظم کل قوا، حضرت آیت‌الله‌عظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) میسر شده است. امروز ارتش آماده‌تر از گذشته، در برابر دشمنان ایستاده است و با تجارب دوران دفاع مقدس، ایمان و باور الهی و بصیرت انقلابی و اتکا به قابلیت‌های بومی و روحیه و شجاعت فرزندان غیور ملت در ارتش، خشتی‌کننده توطئه‌های دشمنان است. ارتش جمهوری اسلامی ایران، ضمن تجدید میثاق با شهیدان و گرامیداشت یاد و خاطره شهدا، ایثارگران و رزمندگان ایران اسلامی، اعلام می‌دارد تا آخرین نفس در دفاع از امنیت و منافع ملی و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران هم‌چون یک ایستاده است. در سربازی و فداکاری در راه اسلام، میهن اسلامی و ملت غیور ایران، ثابت‌قدم و استوار است.